

بازنمایی خروج آمریکا از برجام: تحلیل گفتمان انتقادی سرمقاله‌های روزنامه‌های کیهان، رسالت، شرق و اعتماد

آذین گودرزی^۱، لیدا کاوسی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴/۱/۰۰، تاریخ تایید: ۱۸/۵/۰۰

چکیده

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در ژوئیه سال ۲۰۱۵ میلادی بین جمهوری اسلامی ایران و گروه ۵+۱ به نتیجه رسید، اما آمریکا خروج خود را از این توافق در مه ۲۰۱۸ اعلام کرد. این خروج، هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی به لحاظ تأثیر بر فضای سیاسی، بین‌المللی و دیپلماتیک توجه رسانه‌های زیادی به خود جلب کرد. هدف این مقاله، بررسی بازنمایی خروج ایالات متحده آمریکا از برجام در چهار روزنامه ایرانی است: «کیهان»، «رسالت» (نمایندگان اصلی محافظه‌کاران) و «اعتماد» و «شرق» (نمایندگان اصلی اصلاح‌طلبان) این پژوهش از روش تحلیل گفتمان انتقادی استفاده می‌کند و متکی به نظریه‌های گفتمان، بازنمایی و چارچوب‌سازی است. یافته‌های این پژوهش گویای آن است که گفتمان مسلط در طیف روزنامه‌های اصلاح‌طلب «گفتمان تعامل» بوده است. این روزنامه‌ها بر لزوم ارتباط با جهان، مذاکره، تنش‌زدایی در عین حفظ انسجام ملی تأکید کرده‌اند. «برجسته‌سازی» و «حاشیه‌رانی» تکنیک‌هایی هستند که روزنامه‌های شرق و اعتماد به واسطه آن وجوه مثبت «خود» و نقاط ضعف «دیگری» را برجسته و چارچوب‌های مدنظر خود را از این طریق بازنمایی کرده‌اند. گفتمان مسلط در طیف روزنامه‌های اصولگرای این پژوهش، گفتمان «مقاومت» است. این طیف با مطرح کردن سلسله استنادات تاریخی به بدعهدی، دشمنی، بی‌اعتمادی به غرب (آمریکا و اروپا) اشاره کرده‌اند و با برجسته کردن وجوه منفی «دیگری» و برجسته کردن وجوه مثبت «خود» به مثابه نظام و ملت ایران، و تأکید بر ایستادگی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی، اقتصاد مقاومتی، بصیرت انقلابی و واکنش جدی در مقابل دشمن، سعی در القای مفاهیم و چارچوب‌های مدنظر خود و تأثیرگذاری بر مخاطب دارند.

واژگان کلیدی: بازنمایی، چارچوب‌بندی، تحلیل گفتمان انتقادی، مطبوعات، برجام.

۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

Azin.m.goodarzi@gmail.com

۲ استادیار گروه آموزشی روزنامه نگاری، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی؛

lida.kavousi@gmail.com

اهمیت رسانه‌های دنیای امروز در حیات سیاسی و فرهنگی کشورها بر کسی پوشیده نیست و آنها این قدرت را دارند که بر ذهن خوانندگان و بینندگان خود اثر بگذارند. به نظر می‌رسد از میان رسانه‌ها، مطبوعات محدودیت‌های بیشتری برای انتخاب و گزینش دارند؛ چراکه روزانه صدها رویداد در حوزه‌های گوناگون به وقوع می‌پیوندد و به دلیل محدودیت تعداد صفحات، زمان، نیروی انسانی، هزینه و... پرداختن به تمام این رویدادها در قالب اخبار کاری غیرممکن است. لذا صاحبان رسانه‌ها اخباری را منتشر می‌کنند که در رسیدن خود آنان به اهدافشان مؤثر باشند. روزنامه‌ها که از مهم‌ترین رسانه‌های جمعی‌اند تنها به ارائه صرف اخبار نمی‌پردازند، بلکه در بیشتر موارد، با افزودن یا کاستن از هر رویداد، سعی در دستکاری آنها و بازنمایی وقایع بر اساس اهداف و سیاست‌های خاص خود دارند و این دستکاری‌ها غالباً برای متقاعدکردن مخاطبان است؛ یعنی رسانه‌ها درصدد اثرگذاری بر مخاطبان و القای مفاهیم موردنظر خود هستند.

زبان، اصلی‌ترین ابزار تعامل بین انسان‌ها در طول تاریخ بوده است. به دیگر سخن، زبان شفاهی و مکتوب بازتابی از جهان خارج یا محصول بازنمایی‌های ذهنی این جهان به حساب می‌آید. هالییدی^۱ بسیاری از واقعیت‌ها را ساخته و پرداخته زبان می‌داند و معتقد است که زبان، نه تنها برش خاصی از واقعیت یا تجربه انسانی را به تصویر می‌کشد، بلکه واقعیت‌ها یا تجربه‌های انسانی به طرق گوناگون در زبان نشان داده می‌شوند (عموزاده مهدیرجی، ۱۳۸۲: ۱۱۰-۱۱۱) درعین حال، زبان ابزار تفسیر جهان نیز هست، چنانکه به باور ویتگنشتاین^۲، زبان همچون عینکی است که انسان با آن به پیرامون خود نگاه می‌کند. بر این اساس، زبان تصویری از واقعیت است و نه نمایانگر کل آن و بر همین پایه است که گفته می‌شود؛ زبان «بی‌طرف» نیست (عموزاده مهدیرجی، ۱۳۸۲: ۱۰۰) از آنجا که زبان ابزار تعامل میان انسان‌هاست، در حوزه رسانه نیز مطرح می‌شود؛ در این معنا، زبان رسانه‌ای یکی از نمودهای زبان ارتباطی در جهان کنونی به شمار می‌آید و دنیای نمادین به واسطه آن بر ساخته می‌شود. پس زبان، ابزار کلیدی برای نگارش خبر و متون رسانه‌ای است و القای ایدئولوژی‌ها و نگرش‌های خاص به واسطه آن میسر می‌شود.

«القای نگرش» ما را به سمت کارکرد دیگری در زبان؛ یعنی «گفتمان» هدایت می‌کند. اصطلاح «گفتمان» را عموماً شکلی از کاربرد زبان مثلاً در سخنرانی‌ها، یا به‌طور کلی‌تر، زبان گفتار یا شیوه سخن گفتن می‌دانند (فاندایک، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۷) فرکلاف گفتمان را چیزی بیش از کاربرد زبان می‌داند. او معتقد است که کاربرد زبان، چه به صورت گفتاری و چه نوشتاری، عملی اجتماعی است (آقاگلزاده، ۱۳۹۰: ۲)

بازنمایی تنها مختص به زبان نیست، بلکه هر نظامی که بتوان از طریق آن جهان بیرون را واجد معنا ساخت، نوعی نظام بازنمایی است. از آنجاکه دانسته‌های مخاطبان حاصل تجربه روبه‌رو شدن با گزارش‌ها و تصاویر منعکس شده در رسانه‌هاست، می‌توان رسانه‌ها را نوعی نظام بازنمایی تصور کرد که بازیگران اجتماعی از آن برای معنادار ساختن جهان بهره می‌گیرند. این معنا، بسته به قصد بازیگران، با استفاده از «کاربرد خاصی از زبان» شکل می‌گیرد (فاندایک، ۱۳۸۲: ۱۶ به نقل از مهدی‌زاده و علیزاده، ۱۳۹۳: ۲۱۸) این امر مبین پیوند دو مفهوم بازنمایی و گفتمان است؛ به این صورت که رسانه‌ها برسازندهٔ واقعیت‌هایی در درون ساختارهای نهادی، سیاسی، اجتماعی و سازمانی‌اند که نوعاً گفتمان‌ها آنها را تعیین کرده‌اند (مهدی‌زاده و علیزاده، ۱۳۹۳: ۲۱۸) به‌طور کلی، موضوعات مورد توجه مطبوعات عموماً مسائل حائز اهمیت افکار عمومی است و نگاهی گذرا به مطبوعات و رسانه‌های کشور طی چندسال گذشته نشان‌دهندهٔ آن است که توافق هسته‌ای میان ایران و شش قدرت جهانی، موسوم به برجام، نیز از جمله مسائل و موضوعات اولاً حائز اهمیت و ثانیاً مورد توجه همهٔ مردم بوده است.

در تاریخ سیاست خارجی ایران، کمتر موضوعی نظیر برجام با اختلاف نظرهای جدی میان صاحب‌نظران همراه بوده است. کل فرایند برجام - از نحوهٔ مذاکره تا توافق و حتی متن نهایی - از جمله مواردی است که اختلافات عمیقی میان دو طیف فکری و سیاسی موجود در کشور، اصولگرایان و اصلاح‌طلبان، به وجود آورده است. این اختلافات، به حدی است که در یک سر طیف کسانی قرار دارند که برجام را خسارت محض و نابودی منافع ملی می‌پندارند و در مقابل، در سر دیگر طیف، کسانی قرار دارند که توافق یادشده را جدی‌ترین دست‌ورکار دیپلماتیک کشور پس از انقلاب اسلامی، راه برون‌رفت از مشکلات، و مدلی موفق برای چارچوب‌بندی سیاست خارجی معرفی می‌کنند (خلیلی، ۱۳۹۵: ۱۳۶) در این میان، خروج آمریکا از برجام در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ از اهمیتی خاص برخوردار است؛ زیرا این موضوع با توجه به ابعاد گسترده‌اش در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، بین‌المللی و دیپلماسی برای ایران اهمیتی انکارناپذیر دارد.

بر اساس این متن، توافق برجام مستلزم لغو و تعلیق تحریم‌های یک‌جانبه ایالات‌متحده آمریکا در قالب مصوبات کنگره و فرامین اجرایی رئیس‌جمهوری آن کشور علیه بخش‌های بیمه، کشتیرانی، پتروشیمی، مبادلات بانکی، و نهایتاً صادرات نفت است (وزارت امور خارجه، ۱۳۹۴: ۴-۵) در واقع، چنانکه از متن توافق برمی‌آید، عمده مسائلی که در توافق حل و فصل شده‌اند، مربوط به محدودیت‌ها و تحریم‌های اعمال‌شده در قالب تحریم‌های ثانویه ایالات‌متحده علیه ایران هستند، که با خروج آمریکا از برجام به‌طور بالقوه امکان بازگشت داشته‌اند و ضمن اعمال مجدد محدودیت‌ها و تحریم‌ها علیه ایران، می‌توانند کل توافق برجام را با خطر نابودی روبه‌رو سازند. پژوهش حاضر با موضوع «بازنمایی خروج آمریکا از برجام در مطبوعات ایران: تحلیل گفتمان انتقادی سرمقاله‌های روزنامه‌های کیهان، رسالت، شرق و اعتماد» بازه زمانی یک ماه پیش‌از خروج آمریکا از برجام و یک ماه پس‌از آن، یعنی ۱۳۹۷/۱/۱۸ تا ۱۳۹۷/۳/۱۸ را دربرمی‌گیرد. سؤال اصلی پژوهش این است که نحوه بازنمایی موضوع خروج آمریکا در روزنامه‌های منتخب (کیهان، رسالت، شرق، و اعتماد) چگونه است؟ این پژوهش به‌دنبال آن است که سرمقاله‌های روزنامه‌های منتخب را از حیث چارچوب‌های به‌کاررفته، مفاهیم برجسته شده و به حاشیه رانده شده و گفتمان مسلط درخصوص خروج آمریکا از برجام بررسی کند.

ضرورت و اهمیت این موضوع پژوهشی در آن است که از طریق آن می‌توان به درک بهتری از روابط متن، زبان و قدرت و ایدئولوژی در مطبوعات نائل شد. نظر به اهمیت رسانه‌ها در شکل‌دهی و هدایت افکار عمومی از یک‌سو و توان آنها برای تقویت و تضعیف گفتمان‌هایی خاص راجع به هر موضوع، بررسی دیدگاه‌های متعارض و متفاوت مربوط به برجام در میان مطبوعات متعلق به دو جریان گفتمانی اصلی سیاسی می‌تواند در وهله اول، فهم دقیق‌تری از نحوه مواجهه هریک از روزنامه‌ها ایجاد کند و به تبع آن شناختی عمیق‌تر درباره برخورد هریک از جریان‌های سیاسی با مسئله موردبحث فراهم آورد. از سوی دیگر، این پژوهش می‌تواند امکان پیش‌بینی کنش‌های جریان‌های یادشده را میسر سازد و نهایتاً به فهم و ایجاد تصویری روشن‌تر و کامل‌تر از ابعاد گوناگون موضوع بینجامد.

مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

پیشینه برجام: برنامه جامع اقدام مشترک، که به اختصار «برجام» نامیده می‌شود، توافقی چندجانبه میان ایران و پنج عضو شورای امنیت ملل متحد به‌همراه اتحادیه اروپا است که به‌منظور حل‌وفصل مناقشه دوازده ساله هسته‌ای میان ایران و غرب منعقد شد.

براساس برجام، ایران اعمال محدودیت‌هایی بر صنایع هسته‌ای خود را می‌پذیرد و دوره‌ای از راستی‌آزمایی و نظارت را آغاز می‌کند که به‌مدت پانزده سال ادامه خواهد یافت (سلطانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۷۷) در مقابل، بر مبنای متن برجام، تمام تحریم‌های شورای امنیت ملل متحد، ایالات‌متحده و اتحادیه اروپا علیه برنامه هسته‌ای ایران رفع می‌شوند. برجام و ضامنه آن همچنین در شورای امنیت ملل متحد در قالب قطعنامه ۲۲۳۱ وجه بین‌المللی و ضمانت اجرایی پیدا کرده است (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۴: ۳۱).

تصمیم «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده در هشتم مه ۲۰۱۸ مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای ایران (برجام) موجب شد تا اجرای توافق مذکور با موانع جدید روبه‌رو شود. در واقع، سیاست دولت جدید آمریکا در عدم اعطای تضمین به بانک‌ها و شرکت‌های بازرگانی طرف قرارداد با ایران، موجب شده تا ضمن بالا رفتن ریسک موجودی‌های یادشده برای سرمایه‌گذاری در ایران، فروش نفت و سایر اقلام صادراتی ایران نیز با موانع و دشواری‌هایی مواجه شود (Katzman et al, 2018: 7) خروج ایالات‌متحده از برجام عمدتاً نتیجه چند عامل همبسته بود: نخست سیاست ضدایرانی هیئت حاکمه جدید کاخ سفید و در پیش‌گرفتن دوباره الگوی مهار ازسوی این کشور، دوم مخالفت ترامپ با برجام به منزله یکی از نکات چشمگیر کارنامه دولت قبل آمریکا، تلاش ترامپ برای شکل‌دهی به توافقی جدید و ارائه آن به‌مثابه دستاورد سیاست خارجی خود و نهایتاً رویکرد منفی ترامپ به سازوکارهای چندجانبه و بین‌المللی همانند برجام (Cherkaoui, 2018: 4-5).

ازسوی دیگر، برجام به‌منزله توافقی بین‌المللی و دارای ضمانت اجرای بین‌المللی (قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد) به رغم اقدام یک‌جانبه ایالات‌متحده کماکان از سوی پنج عضو باقی‌مانده؛ یعنی «ایران»، «بریتانیا»، «فرانسه»، «روسیه» و «چین» لازم‌الاجرا اعلام شده است (Immenkamp, 2018: 4) به دیگر سخن، تداوم پایبندی دولت‌های یادشده به برجام و ارائه تضمین‌های اقتصادی از سوی اتحادیه اروپا و چین، به‌ویژه در زمینه خرید نفت و تداوم دسترسی ایران به نظام بانکی بین‌المللی تاحد زیادی می‌تواند از فشار تحریم ایالات‌متحده علیه تهران بکاهد. با این حال، و بنا به ارتباطات مالی گسترده شرکت‌های بزرگ اروپایی (خصوصاً در حوزه انرژی) چشم‌انداز همکاری اروپا دست‌کم در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران با اما و اگرهای جدی روبه‌روست که بالقوه می‌توانند کل فرایند مورد توافق را با مشکل مواجه و آن را نقض کنند.

گفتمان، کردار اجتماعی زبان: نورمن فرکلاف^۱ از متخصصان برجسته در تحلیل گفتمان انتقادی است. وی رویکرد خود را مطالعه انتقادی زبان می‌نامد و اولین هدف در رهیافتش که بیشتر جنبه نظری دارد «کمک به تصحیح کم توجهی گسترده به اهمیت زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت» است و دومین هدف را که جنبه عملی دارد، این گونه توضیح می‌دهد: «کمک به افزایش آگاهی راجع به اینکه زبان چگونه در سلطه بعضی بر بعضی دیگر نقش دارد» (Fairclough, 1989:1).

فرکلاف گفتمان را مسیری برای بازنمایی جنبه‌های جهان- فرایندها، روابط و ساختارهای جهان مادی - عنوان می‌کند و گفتمان‌های متفاوت را به مثابه چشم‌اندازهایی متفاوت به جهان می‌بیند که به موقعیتشان در جهان، هویت اجتماعی و فردی‌شان و روابط اجتماعی‌شان با دیگر افراد جامعه وابسته است. گفتمان‌ها نه تنها به بازنمایی جهان آنچنان که هست، می‌پردازند، بلکه تصاویری بازتابی‌اند که جهان‌های ممکن را که متفاوت با جهان واقعی‌اند، بازنمایی می‌کنند و برای دگرگونی جهان در مسیرهای خاص به کار گرفته شده‌اند (Fairclough, 2003: 124).

به عقیده فرکلاف، رابطه میان گفتمان و قدرت دو جنبه دارد: از یک سو، گفتمان را می‌توان جزئی از منازعات و مبارزات اجتماعی دانست و آن را بخشی از متن گسترده‌تر و غیرگفتمانی مبارزات اجتماعی و تأثیرشان بر ساختارهای اجتماعی به حساب آورد و از سوی دیگر، می‌توان نشان داد که کدامیک از روابط قدرت تعیین‌کننده گفتمان‌هاست. همچنین می‌توان نشان داد که این روابط قدرت، نتیجه مبارزات اجتماعی و ساخته افرادی‌اند که در قدرت‌اند و در وضعیت ایدئال طبیعی به نظر می‌رسند (آقاگل‌زاده و خیرآبادی، ۱۳۹۳: ۵۲) فرکلاف سه جنبه یا سه سطح نیز برای گفتمان‌کاوی انتقادی تشریح می‌کند: سطح اول؛ توصیف است که با ویژگی‌های صوری متن مرتبط است. سطح دوم؛ تفسیر است که به ارتباط میان متن و تعامل می‌پردازد؛ اینکه متن را حاصل فرایند تولید و منبع فرایند تفسیر بدانیم. سطح سوم؛ تبیین است که به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد؛ اینکه چگونه فرایندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر اجتماع قرار دارند (Fairclough, 1989: 26-27).

رویکرد اجتماعی - شناختی: فُن دیک^۲ نیز از دیگر چهره‌های برجسته تحلیل گفتمان است که در آثارش به مطالعه تعصبات نژادی، قومی و بازنمایی آنها در گفتمان می‌پردازد و مانند

1 Fairclough

2 Van Dijk

فرکلاف، هدف اصلی گفتمان انتقادی را «آشنایی با شیوه‌های بازتولید روابط قدرت در سطح گفتمان و آگاهی بخشی به جامعه به منظور فائق آمدن بر این تعصبات و نابرابری‌های سیاسی و اجتماعی» بیان می‌کند (آفاگل‌زاده و خیرآبادی، ۱۳۹۳: ۵۶) وی تحلیل گفتمان انتقادی را گونه ای از تحلیل گفتمان می‌داند که روش‌های سوءاستفاده از قدرت اجتماعی، سلطه و نابرابری و نیز مقاومت متون در بافت‌های اجتماعی و سیاسی در مقابل آنها را بررسی می‌کند (کریمی فیروزجائی، ۱۳۹۶: ۱۱۳).

فُن‌دیک در رهیافت خود، اهمیت زیادی برای شناخت قائل است و مثلث «جامعه»، «شناخت» و «گفتمان» را مطرح می‌کند. در مثلث وی، گفتمان به مثابه رویدادی ارتباطی است که شامل تعاملات محاوره‌ای، متون نوشتاری و همچنین حرکات سر و دست، حالت‌های صورت، طرح‌های چاپی، تصاویر و هرگونه دلالت یا تصویرسازی نشانه‌شناختی یا چندرسانه‌ای می‌شود. ضلع بعدی در این مثلث، شناخت است که در رویکرد او شامل شناخت فردی و اجتماعی است و بنابراین عقاید، اهداف، ارزیابی‌ها، احساسات، رفتارها و همه بازنمودهای ذهنی را دربرمی‌گیرد. ضلع آخر نیز جامعه است که مرکب از ساختارهای خرد و کلان است که اولی به تعاملات تک‌تک افراد اشاره می‌کند و دومی بر روابط بین‌گروهی متمرکز است (-96: 2001 van Dijk, 99).

نظریهٔ چارچوب‌سازی: پن و کوزیکی^۱ معتقدند که ریشهٔ مفهوم چارچوب به روانشناسی و جامعه‌شناسی بازمی‌گردد (Scheufele and Tewksbury, 2007: 11) گافمن مفهوم عمومی چارچوب‌سازی را در سال ۱۹۷۴ ارائه کرد. تأکید ویژهٔ او بر این امر بود که افراد به صورتی پویا دنیای اطراف خود را بر مبنای چارچوب‌هایی معنا می‌کنند؛ چارچوب‌هایی که «اطلاعات را تعیین، دریافت، و شناسایی می‌کنند و بر آنها برچسب می‌زنند» (فرقانی و مؤذن، ۱۳۹۴: ۱۲) قاب‌بندی یا چارچوب‌سازی فرایند سازمان دادن به واقعیت از طریق طبقه‌بندی رویدادها به روش‌های خاص است و در این فرایند بر برخی جنبه‌ها نسبت به بقیه تأکید بیشتری می‌شود و دربارهٔ معنای هر رویداد و چگونگی رخدادهای آن تصمیم گرفته می‌شود. هنرود ارائه حقیقت، با وجود برخورداری از تعادل لازم، بازهم به‌گونه‌ای مبتنی بر چارچوب‌سازی است. چارچوب‌سازی با گزینش، تأکید و حذف همراه است. کلماتی که روزنامه‌نگاران برمی‌گزینند، ساختار روایت رویداد،

واقعیت‌هایی که در رویداد می‌گنجاند یا حذف می‌کند، افرادی که از آنها نقل قول می‌کنند، همه به شکل‌گیری رخداد به‌گونه‌ای خاص کمک می‌کنند (Devereux, 2007: 134-137).

انتمن^۱ نیز استفاده از چارچوب‌ها را برای جلب توجه افراد به برخی عناصر و عدم توجه به سایر عناصر مطرح می‌کند و معتقد است شیوه چارچوب‌سازی یک موضوع باید برای مردم روشن سازد که چگونه موضوعی را درک و ارزیابی کنند (Entman, 1993: 51-58) مک‌کامبز^۲ چارچوب‌سازی را برجسته ساختن برخی ابعاد یک موضوع با بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف ارائه موضوع و در نتیجه تغییر رفتارهای مردم درقبال آن توصیف می‌کند. مک‌کامبز این پدیده را «سطح دوم برجسته‌سازی» می‌نامد (Scheufele and Tewksbury, 2007:15) به‌طورکلی، زمانی می‌توان از محقق شدن چارچوب‌سازی صحبت کرد که رسانه برای جلب و جذب مخاطب پاره‌ای از رویداد یا مسئله را بازگو می‌کند و در حقیقت قسمت‌هایی را برجسته می‌سازد و بخشی دیگر را نیز پنهان می‌کند و با این کار، موضوع و رویداد موردنظر را به شکل و چارچوبی متناسب با سیاست‌های رسانه‌ای خود درمی‌آورد.

نظریه بازنمایی: بازنمایی تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است؛ به‌این‌ترتیب که «معنا» به واسطه نشانه‌ها و به‌ویژه زبان تولید می‌شود. زبان سازنده معنا برای اشیای مادی و رویه‌های اجتماعی است و تنها واسطه‌ای خنثی برای صورتبندی و معانی و معرفت درباره جهان به شمار نمی‌آید. اگر بپذیریم که معنا ماهیتی ثابت و تضمین شده ندارد، بلکه از بازنمایی‌های خاص طبیعت در فرهنگ ناشی می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که «معنای هیچ چیز نمی‌تواند تغییرناپذیر، غایی یا یگانه باشد»؛ معنای هرچیز همواره از زمینه برمی‌آید و به عواملی مشروط و تابع مناسبات دگرگون شونده قدرت است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶) ریچارد دایر^۳ درباره بازنمایی این پرسش را مطرح می‌کند که با استفاده از زبان، چه کسی کدام گروه را و به چه شیوه ای بازنمایی می‌کند. چنین نگاهی به زبان رابطه میان بازنمایی، قدرت و ایدئولوژی را هویدا می‌سازد؛ یعنی بازنمایی فرایند نمایش شفاف واقعیت به کمک رسانه‌ها نیست، بلکه قدرت پرورده و ایدئولوژیکی است که به واسطه آن برخی امور نشان داده می‌شوند و بسیاری امور پنهان می‌مانند. به‌عبارت‌دیگر، آنچه بازنمایی می‌شود، احتمالاً با منافع گروه خاصی مرتبط است. بنابراین، «اولاً در برخی از گفتمان‌هایی که بازنمایی به واسطه آنها صورت می‌گیرد، بعضی از گروه‌ها دیده نمی

1 Entman

2 McCombs

3 Richard Dyer

شوند و صدایی از آنها به گوش نمی‌رسد و یا به نحوی خاص بازنمایانده می‌شوند. دوم آنکه، در این بازنمایی‌ها اموری واقعی پنداشته می‌شوند و از این‌رو، فرایند تکوین شخصیت یا ذهنیت گروه‌های خاص را هدایت و کنترل می‌کنند (کاظمی و ناظر فصیحی، ۱۳۸۶: ۱۴۰). نظریه بازنمایی از برجسته‌ترین نظریه‌هایی است که برای تحلیل‌های گفتمانی سودمند است؛ زیرا مبتنی بر پیوندی نزدیک میان زبان، ایدئولوژی و قدرت است. علاوه بر این، باور اصلی این نظریه آن است که بازنمایی رسانه‌ای با بی‌طرفی صورت نمی‌گیرد و ریشه در گفتمان و ایدئولوژی دارد و بر حضور مواضع گفتمانی و ایدئولوژیک در همه عرصه‌ها خصوصاً رسانه‌ها و رقابت نظام‌های معنایی در همه میدان‌های گفتمانی تمرکز دارد. به این ترتیب، می‌تواند در ارزیابی و گفتمان‌کاوی موضوع مورد نظر ما در این پژوهش کمک‌کننده باشد.

چارچوب نظری پژوهش

به طور کلی، در هنگام ارزیابی متن‌های سیاسی باید بر مشخصه سیاسی (و بناچار اجتماعی) آنها به‌طور ویژه تمرکز شود و این امر به این موضوع وابسته است که سیاست و امر سیاسی (و پیرو آن، امر اجتماعی) چگونه فهمیده شود (لاکلا و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۱). بدین ترتیب که هر رسانه، بنا بر سیاست‌های خاص خود، از چارچوب‌های معنایی ویژه‌ای در موضوعاتی همچون موضوع مورد بحث (خروج آمریکا از برجام) بهره می‌جوید.

پژوهش حاضر، با استفاده از رویکردی ترکیبی، به عناصر تحلیلی موجود در دو نظریه فُن‌دیک و فرکلاف می‌پردازد. هر دو اندیشمند یادشده بر این عقیده‌اند که استفاده از نظریه‌ها و روش‌های ترکیبی گفتمان به غنی‌تر شدن این دست از مطالعات کمک می‌کنند. به عقیده فرکلاف، در تحلیل رویه‌های اجتماعی، تنها استفاده از نظریه گفتمانی کافی نیست و در سطوح غیرگفتمانی باید از نظریه‌های اجتماعی و فرهنگی بهره جست؛ زیرا جستجوی ارتباط میان کاربرد زبان و رویه‌های اجتماعی یکی از اهداف عمده تحلیل گفتمان انتقادی است.

مطالعات پیشین

پژوهشی با عنوان «تحلیل گفتمان یادداشت‌های رسانه‌ای برجام در رسانه‌های داخلی» را حمیدرضا قلخانی در دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی نوشته است. هدف پژوهش مذکور، تحلیل گفتمان یادداشت‌های رسانه‌ای برجام در رسانه‌های داخلی است و در آن از روش فرکلاف استفاده شده است. نتایج پژوهش، گویای آن است که رویکرد انتقاد از غرب در متن آنها

برجستگی بیشتری یافته و حمایت و انتقاد از اقدامات صورت گرفته در قالب برجام به شکل یکسان دیده می‌شوند.

مقاله‌ای با عنوان «تحلیل زبان‌شناختی خروج آمریکا از برجام در گفتمان‌های دو شبکه‌العربیة و المنار» را سیدرضا میراحمدی، رضا علی قاسمی‌نسب و علی ضیغمی با استفاده از رویکرد فُن‌دیک نگاشته‌اند. یافته‌ها گویای آن است که این شبکه‌ها تلاش کردند تا با ابزار زبانی، نظیر تکرار، مبالغه، تضاد و امثال آنها، بر مخاطب اثر بگذارند و به همین منظور با گزینش دقیق واژگان به کار رفته در متن اخبار، واقعیت‌ها را به شکلی دیگر نشان دهند و پیام خود را با زیرکی و غیرمستقیم به مخاطبان انتقال دهند.

محمد مهدی صالح و محسن صادقی مقاله‌ای با عنوان «تحلیل محتوای برجام در رسانه ملی بعد از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای» را نوشته‌اند. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد که رسانه ملی به لحاظ محتوایی و خبری ضمن نگرشی انتقادی به این توافق دارد، و بر وجود اشتباه محاسباتی در پذیرش این توافق، غیرقابل اعتماد بودن جهان غرب از جمله آمریکا، لزوم بازسازی صنایع هسته‌ای، لزوم واکنش جدی و محکم دولت در برابر غرب تأکید می‌کند.

پایان‌نامه‌ای با عنوان «گفتمان، هویت، مشروعیت: خود و دیگری در بازنمایی‌های برنامه هسته‌ای ایران» را مجید خسروی‌نیک در دانشگاه لنکستر نوشته است. این پایان‌نامه به مناقشات هسته‌ای ایران با غرب می‌پردازد و با استفاده از رویکرد گفتمانی-تاریخی وداک^۱، بازنمایی این مناقشات را در روزنامه‌های ایرانی و امریکایی مقایسه می‌کند. در پژوهش مذکور استدلال می‌شود که تفاوت اصلی گفتمان‌های روزنامه‌های ایرانی شرق و کیهان در خصوص برنامه هسته‌ای، درجه «بازبافت‌سازی» است. اثبات تهدیدآمیز بودن ایران در «تایمز» نسبت به «گاردین» برجسته‌تر است. بازتاب انعکاس صدای «دیگری» در روزنامه تایمز محدود است یا اصلاً دیده نمی‌شود، اما گاردین برخی استدلال‌های اساسی ایران مبنی بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای را چندین بار تکرار می‌کند.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر باتوجه به موضوع مورد بررسی، روش تحقیق، روش تحلیل گفتمان انتقادی است که در زمره روش‌های کیفی پژوهش به‌شمار می‌رود. شیوه تحلیل گفتمانی که در پژوهش

حاضر مدّ نظر قرار گرفته بر مبنای آرای فُن دیک و فرکلاف است. تحلیل گفتمان انتقادی روشی است که می‌تواند در پژوهش‌هایی که در «چنبره‌های زبان‌شناختی - گفتمانی سلطه و استثمار گیر افتاده‌اند» استفاده شود. بخشی از کار تحلیلگر آن است که در پیدایش و گسترش آگاهی انتقادی راجع به زبان به مثابه عاملی برای سلطه مشارکت جوید (فرکلاف، ۱۳۸۷: ۱۱۹)

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها: به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، پس از گزینش سرمقاله با روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند، فرم مشخصی بر مبنای اقتضانات خاص این پژوهش برای ثبت و استخراج اطلاعات طراحی شد که علاوه بر اطلاعات شناسنامه‌ای متون (تاریخ انتشار سرمقاله‌ها، عناوین)، هشت کارویژه عمومی را نیز شامل می‌شود که عبارت‌اند از: نظام واژگانی (مثبت و منفی)، افراد و نهادهای مطرح شده در متن (مثبت و منفی)، قطب‌بندی (نحوه توصیف و معرفی خود و دیگری)، استناد یا ذکر شواهد در متن، پیش‌فرض‌ها، دلالت‌های ضمنی (تلقین و تداعی)، مؤلفه‌های اجماع و توافق، گزاره‌های اساسی. بعد از استخراج مقوله‌های متنی از متون موردنظر، تحلیل و تفسیر فرامتنی صورت می‌گیرد که این تحلیل زمینه اخذ نتایج اصلی و دستیابی به هدف‌های پژوهش را فراهم می‌آورد.

جامعه مورد مطالعه و روش نمونه‌گیری: شامل تمام سرمقاله‌های روزنامه‌های کیهان، رسالت، شرق و اعتماد از یک ماه پیش از تصمیم آمریکا برای خروج از توافق برجام و یک ماه پس از خروج آمریکا از این توافق است. یعنی این پژوهش به بررسی سرمقاله‌هایی از مطبوعات منتخب می‌پردازد که از ۹۷/۱/۱۸ تا ۹۷/۳/۱۸ در قالب نسخه آنلاین منتشر شده و با موضوع، سؤال‌ها و اهداف آن مرتبط باشند. علت انتخاب این بازه زمانی آن است که در این دوره، خروج آمریکا از برجام موضوع مباحثات و مناقشات رسانه‌ای بسیاری در میان نخبگان و سیاستمداران و کارشناسان کشور بود.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند یا قضاوتی است. ارل بی^۱ درباره نمونه‌گیری هدفمند می‌گوید: «گاه لازم می‌شود که نمونه را براساس آگاهی خود از جمعیت، عنصرهای جمعیت، ماهیت تحقیق خود و به‌طور خلاصه، براساس قضاوت شخصی و هدف‌های مطالعه انتخاب کنید» (بی، ۱۳۸۱: ۲۶۴) عموماً در تحلیل گفتمان انتقادی برای تعیین حجم نمونه از نمونه‌های کوچک استفاده می‌شود. در این پژوهش نیز باتوجه به نوع کار، این امر مورد توجه قرار گرفت که نمونه‌ها به نوعی انتخاب شوند

¹Earl Babbie

که درعین رعایت کوچکی حجم نمونه، روزنامه‌هایی از هردو جناح اصلی کشور در نمونه منتخب حضور داشته باشند. از آنجا که در پژوهش کیفی، حجم نمونه مانند روش‌های کمی با استفاده از فرمول و رابطه آماری به دست نمی‌آید، نمونه‌گیری را تا جایی ادامه دادیم که به حد «نمونه اشباع‌شده» برسد؛ یعنی تاحدی که اگر نمونه جدیدی انتخاب کنیم، چیزی به دانسته‌های ما درباره جامعه مورد مطالعه اضافه نشود.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت، به کمک رهیافت فن‌دیک و فرکلاف در تحلیل گفتمان و جداول آماده شده برای تجزیه و تحلیل اطلاعات متنی، به استخراج مقوله‌های گفتمانی از سرمقاله‌های روزنامه‌های منتخب در مورد خروج آمریکا از برجام پرداخته می‌شود.

جدول ۱- یافته‌های تحلیل گفتمانی سرمقاله‌های روزنامه اعتماد

کارویژه‌های تحلیل متن	گزیده مقوله‌های گفتمانی روزنامه اعتماد در زمینه خروج آمریکا از برجام
نظام واژگان	توانمندی غنی‌سازی، توانایی، استراتژی دفاعی، موافقت، قوی، متحد و یکپارچه، امیدوار، توان، تشخیص صحیح، اقتدار و وحدت ملی، وفاداری به برجام، سیاست رسمی، عقلانی و بلندمدت، منافع و مصالح ملی، تقویت انسجام ملی، فضای ثبات، آرامش، امنیت ذهنی و روانی، آرامش اجتماعی، هوشمند، باتجربه، ملت وفادار، توسعه و تعالی، درایت و انسجام ملی، نظر مثبت، خوشحال، اقبال عمومی.
	بازی رسانه‌ای و تبلیغاتی، افزایش فشارها، اشتباه تاریخی و محاسباتی، ضعیف تر، پرونده سازی‌های هسته‌ای، سلاح و بمب هسته‌ای، دلایل واهی، مخالفت، بدبینی و ناامیدی، نگران، متنفر، اغتشاش فکری، تقابل، مرتجع، رفتار نابخردانه، دشمن جاهل، عملیات روانی، جنگ، کودتا، تحریم‌های گسترده، مسائل حاشیه ای، هجمه، تناقض، جنجال و فضا سازی، منافع حزبی، پشیمانی، جوسازی، توهم، تبعات سنگین.
افراد و نهادهای مطرح شده در متن	ایران، جان کری، وزیر خارجه پیشین امریکا، ژاپن، آرژانتین، آلمان، دولت اوباما، مسئولان جمهوری اسلامی ایران، رئیس‌جمهوری ایران، اتحادیه اروپا، دولت‌های چین و روسیه، رهبری، صداوسیما، لاریجانی.
قطب بندی	رئیس‌جمهوری امریکا، دولت ترامپ، دولت بوش، امریکا، جان بولتون، اسرائیل، عربستان، تیم رسانه‌ای ترامپ، دولت‌های قبلی امریکا.
	برخورداری از فناوری غنی‌سازی اورانیوم، نبود ساخت بمب هسته ای در استراتژی دفاعی ایران، برخورداری از تجربه طولانی دیپلماسی و مدیریت بحران، برخورداری از استراتژی کل‌نگر، همه‌جانبه‌نگر و جامع‌نگر، رهبری هوشمند و رئیس‌جمهوری باتجربه، ملت وفادار.

گزیده مقوله‌های گفتمانی روزنامه/اعتماد در زمینه خروج آمریکا از برجام		کارویژه‌های تحلیل متن
<p>خوشحالی جریان‌های تندروی اصولگرا. دل‌پاسان. خود را تافته جدابافته از تصمیمات کلی نظام می‌دانند. جریان اصولگرا با برجام مخالفت کردند. اصولگرایان برجام را با ترکمنچای مقایسه می‌کردند. جریان تندرو دولت را مورد هجمه قرار می‌دهد. به دنبال منافع حزبی هستند. جریان تندرو به دنبال جوسازی است.</p>	<p>منتسب به دیگری (داخلی)</p>	
<p>رئیس‌جمهوری آمریکا در بازی‌های رسانه‌ای بسیار متبحر است. فشار علیه ایران. ترامپ محاسبه غلطی دارد. پرونده‌سازی‌های هسته‌ای علیه ایران. احتمال همراهی اروپا با تحریم‌های ثانویه. بولتون بدون داشتن مبنایی با برجام مخالفت می‌کرد. انگیزه‌های اعلامی ترامپ با اعمالش تفاوت دارد. آمریکا، اسرائیل، عربستان از شکاف و دودستگی میان ما استقبال می‌کنند. هدف نهایی ترامپ این است که ما ایرانیان را بشکند و به جان هم بیندازد. عدم درک لازم از دیپلماسی و مبانی حقوق بین‌الملل. رفتار نابخردانه ترامپ. عملیات روانی گسترده دشمن.</p>	<p>منتسب به دیگری (خارجی)</p>	
<p>دولت ترامپ. جورج دبلیو بوش. دولت بوش. سخنان جان کری. باراک اوباما. دولت اوباما و مشاوران او. گزارش‌های خلاصه. جان بولتون. سخنرانی ترامپ. رئیس‌جمهوری ایران. دولت‌های پیشین آمریکا. اتحادیه اروپا. دولت‌های بزرگ چین و روسیه. آمارها و سنجش‌های میدانی. برجام. به تعبیر لاریجانی. جریان اصولگرا. نظام و رهبری.</p>		<p>استناد یا ذکر شواهد در متن</p>
<p>ترامپ درصدد است که چهار شرط مدنظر خود را به واسطه افزایش فشارها بر ایران عملی سازد. عدم پذیرش شروط چهارگانه توسط ایران. احتمال همراهی اروپایی‌ها به سبب قدرت اقتصادی آمریکا. ایران در پی دستیابی به بمب هسته‌ای نیست. اجماع جهانی در مقابل ایران وجود ندارد. استراتژی نظام بر مبنای منافع و مصالح ملی است. هدف دشمن ناامیدی مردم است. خروج آمریکا از برجام تبعاتی را برای کشور در پی دارد. تناقض در رفتار اصولگرایان درقبال برجام. احتمال بازگشت امریکایی‌ها به توافق. اصولگرایان و جبهه تندرو منافع حزبی برایشان مهم‌تر است.</p>		<p>پیشفرض‌ها</p>
<p>تصمیم ترامپ در نتیجه یک اشتباه محاسباتی اتخاذ شده است. ایران از فناوری غنی‌سازی برخوردار است اما در پی سلاح هسته‌ای نیست. همسویی عربستان و اسرائیل با سیاست‌های آمریکا. تصمیم آمریکا سبب آشفتگی قیمت در بازار ایران می‌شود. خروج آمریکا از برجام پروژه‌ای برای ناامیدی ملت ایران. رسانه‌ها عاملی اثربخش در وحدت و انسجام ملی. فضای رسانه‌ای ابزاری برای نفوذ دشمن.</p>	<p>تلقین</p>	<p>دلالت‌های ضمنی</p>
<p>ایران توانایی ایستادگی و مقاومت مقابل دشمنان را دارد و متکی به ظرفیت‌های داخلی خودش است. اجماعی جهانی علیه ایران وجود ندارد. تصور رؤسای جمهوری آمریکا از غنی‌سازی ایران دستیابی به سلاح و بمب هسته‌ای است. تلاش‌های رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی برای ضربه زدن به ایران. اصولگرایان برجام را توافقی می‌دیدند که در آن ایران صرفاً امتیاز داده و چیزی به دست نیاورده.</p>	<p>تداعی</p>	

<p>گزیده مقوله‌های گفتمانی روزنامه/اعتماد در زمینه خروج آمریکا از برجام</p>	<p>کارویژه‌های تحلیل متن</p>
<p>ایران با وجود تمام سنگ‌اندازی‌ها در مسیر برنامه هسته‌ای‌اش توانسته ظرفیت غنی‌سازی خود را افزایش دهد و متکی به ظرفیت‌های داخلی خودش است و سیاست‌های ترامپ و خروجش از توافق هسته‌ای بر مبنای نقص برجام نیست بلکه تحت تأثیر مشاورانش از جمله بولتون است. دولت‌های جهان به برجام وفادار مانده‌اند و دشمن پروژه خود را با استراتژی عملیات روانی از طریق فضای رسانه‌ای به پیش می‌برد.</p>	<p>مؤلفه‌های اجماع و توافق</p>
<p>آرزوی نابودکردن توانمندی غنی‌سازی ایران رؤیایی غیرمنطقی است. هدف نهایی ترامپ این است که ما ایرانیان را بشکند و به جان هم بیندازد. دولت‌های جهان نه تنها همگرایی با ترامپ را اعلام نکردند بلکه در نقطه مقابل، وفاداری به برجام را به عنوان یک سیاست رسمی اعلام کردند. نقطه ثقل و اساسی مدیریت بحران در مفهومی به نام انسجام و وحدت ملی نهفته است. رسانه‌ها می‌توانند به جای طرح مسائل حاشیه‌ای به وحدت و انسجام ملی بپردازند. روحانی در ذیل توافقنامه هسته‌ای مؤثر عمل کرده است.</p>	<p>گزاره‌های اساسی</p>

جدول ۲- یافته‌های تحلیل گفتمانی سرمقاله‌های روزنامه رسالت

گزیده مقوله‌های گفتمانی روزنامه رسالت در زمینه خروج آمریکا از برجام	کارویژه‌های تحلیل متن
<p>خیر و صلاح. آزادزیستن. استقلال. روند پیشرفت کشور. امنیت نظام. الهام‌بخش حرکت‌های رهایی‌بخش. دستاورد هسته‌ای. فهم و بینش حقیقی مردم. ظرفیت‌های عظیم کشور. پیشرفت‌های موشکی. توانایی‌های ملت. مدیریت جهادی. تحکیم مواضع انقلابی‌گری. نتایج روشن. دیپلماسی انقلابی. بصیرت انقلابی.</p>	<p>مثبت</p>
<p>جهانخواران. خصومت‌ورزی و کینه‌توزی. ضرر و زیان. ضربه‌های هولناک. سلطه. خسارت‌های زیادی. جنگ داخلی و خارجی. نبرد نرم. اختلاف. تحریم‌های سیاسی و اقتصادی. مقاصد شوم. بهانه‌های مختلف. جنگ اقتصادی. گستاخ‌تر. برخورد منفعلانه. بی‌حاصل. مصادره. سنگ‌اندازی. مشاطه‌کاران سیاسی. جنایتکار. فرصت سوزی. تهاجم. تهدیدات نظامی و سیاسی. ایران‌هراسی. بحران آفرینی.</p>	<p>منفی</p>
<p>امام راحل. رهبر انقلاب اسلامی. ایران. دانشمندان ایران. روس‌ها. چینی‌ها. شورای نگهبان.</p>	<p>مثبت</p>
<p>رئیس‌جمهوری آمریکا. کارتر. آمریکا. شرکای اروپایی آمریکا. گروه‌های تروریستی. خزانه‌داری آمریکا. دولت روحانی. اروپایی‌ها. اف‌ای‌تی‌اف. عباس عراقچی. وزیر خارجه ایران. موگرینی. رهبران سه کشور اروپایی. توتال. شرکت ساگا. شرکت فولاد دنیلی. ایرباس. شرکت نفتی انی. شرکت مرسک. شرکت آلیانتس.</p>	<p>منفی</p>
<p>ایران پر قدرت‌تر از همیشه در منطقه و جهان می‌درخشد. ملت ایران الهام‌بخش حرکت‌های رهایی‌بخش در جهان اسلام و کل دنیا است. خورشید انقلاب اسلامی و رسالت جهانی آن. نظامی در ایران که از مردم فرمان می‌گیرد. ایران همه تعهدات خود را عمل کرده است. توانایی‌های ملت و ظرفیت‌های عظیم کشور.</p>	<p>منتسب به خود</p>
<p>جریان به ظاهر همراه انقلاب همواره روی تجدید روابط با آمریکا و پایان دادن به خصومت دو کشور تأکید می‌کردند. این جریان با انکار دشمنی آمریکا همواره زبان به مذمت مردم و مسئولان گشود. خسارت‌های زیادی به منافع و مصالح ملی زده‌اند. غفلت و ساده‌لوحی دستگاه دیپلماسی کشور. عدم واکنش معقول و</p>	<p>منتسب به دیگری (داخلی)</p>

گزیده مقوله‌های گفتمانی روزنامه رسالت در زمینه خروج آمریکا از برجام	کارویژه‌های تحلیل متن
<p>حکیمانه دولت. مشاطه‌کاران سیاسی چهره آمریکا را بزک کرده‌اند. دولت هنوز فکر می‌کند کلید دیپلماسی و دادن امتیازهای سخاوتمندانه می‌تواند قفل این بحران آفرینی‌ها را باز کند. دولت به توانایی‌های داخلی و ظرفیت‌های عظیم کشور بی توجه است.</p>	
<p>امریکایی‌ها یک لحظه از خصومت‌ورزی و کینه‌توزی علیه ملت ایران دست برنداشته‌اند. امریکایی‌ها تا یک رژیم تابع واشنگتن در تهران سرکار نیاورند آرام نخواهند گرفت. امریکایی‌ها از روسیاه‌ترین گروه‌های تروریستی در داخل و خارج بهره گرفتند. امریکایی‌ها در کنار شرکای اروپایی خود برجام را آتش زده‌اند و هرروز تحریم جدید به تحریم‌های قبلی اضافه می‌کنند. اروپایی‌ها قرار است محکم در برابر ایران بایستند نه تضمین بدهند و نه خیال اجرای برجام را دارند. زیاده‌خواهی‌های غرب و آمریکا، غیرقابل اعتماد بودن همکاری با شرکت‌های خارجی</p>	<p>منتسب به دیگری (خارجی)</p>
<p>صحیفه امام، رهبری، پیام امام خمینی (ره) سخنگوی وزارت خارجه، مقامات اقتصادی و دیپلماسی، سخنان رئیس‌جمهوری، مجلس، قاعده نفی سبیل، اصول قانون اساسی، عباس عراقچی، موگرینی، رهبران سه کشور اروپایی، توتال، ترامپ.</p>	<p>استناد یا ذکر شواهد در متن</p>
<p>خصومت‌ورزی و کینه‌توزی آمریکا علیه ملت ایران از ابتدای انقلاب تاکنون، اصلاح‌طلبان در ظاهر همراه انقلاب و مصر به ارتباط با آمریکا هستند. عدم پایبندی امریکایی‌ها بر عهد و پیمان، استقلال و آزاد زیستن در گرو قطع رابطه با آمریکا است. تصویب افای‌تی‌اف در مجلس راه سلطه خارجی را می‌گشاید. اروپا مذاکرات را ابزار فشار بر ایران قرار داده است. همراهی اروپا با آمریکا در موضوعات نفوذ منطقه‌ای و فعالیت دفاعی نظام، اروپا در نهایت تضمینی در مورد اجرای برجام به ایران نمی‌دهد. پذیرش رویکرد جدید اروپا آسیب‌پذیری ایران را در حوزه‌های دفاعی، نظامی، سیاسی و اقتصاد افزایش می‌دهد. مدیریت جهادی و تحکیم مواضع انقلابی‌گری کلید حل مشکلات.</p>	<p>پیشفرض‌ها</p>
<p>امریکا به دنبال براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران است. اروپا نیز در مسیر نقض عهد همراه با آمریکا است. آمریکا در پی سلطه و هژمونی است نه مذاکره با شرایط برابر. ایران می‌تواند با اتکا به اقتصاد مقاومتی و ظرفیت‌های داخلی ایستادگی و مقاومت نماید. تصویب افای‌تی‌اف در راستای منافع غرب و آمریکا است. شرکت‌های اروپایی مطابق با سیاست‌های آمریکا عمل می‌کنند. رویکرد و برخورد انقلابی (گفتمان مقاومت) تنها راه موفقیت ایران است.</p>	<p>دلالت‌های ضمنی</p>
<p>حادثه کوی دانشگاه و حوادث بعد از انتخابات سال ۸۸، تحریم رویه ثابت ایالات متحده در برخورد با ایران، امتیازات داده شده از سوی ایران در برجام و عرصه دیپلماسی.</p>	<p>تداوی</p>
<p>دشمنی آمریکا از ابتدای انقلاب تاکنون وجود داشته و آنها برای رسیدن به منافع خود در این‌راه از هیچ اقدامی چشم‌پوشی نکرده‌اند. برجام بدون آمریکا آسیب‌پذیری ایران را افزایش می‌دهد. اروپایی‌ها و شرکت‌هایشان همراه و همگام با سیاست‌های ترامپ هستند.</p>	<p>مؤلفه‌های اجماع و توافق</p>
<p>امریکایی‌ها تا یک رژیم تابع واشنگتن در تهران سر کار نیاورند آرام نخواهند گرفت. معلوم شده است امریکایی‌ها بر هیچ عهد و پیمانی استوار نیستند. آرزوی استقلال و آزادزیستن را در استمرار قطع روابط با آمریکا بدانیم. برجام بدون آمریکا یک فرصت‌سوزی جدید است. اجرای تمامی درخواست‌های افای‌تی‌اف پیش شرط موفقیت مذاکره با سه کشور اروپایی است. تعهدات ایران در برجام تا رسیدن به نتایج روشن در گفتگوها به تعلیق درآید.</p>	<p>گزاره‌های اساسی</p>

جدول ۳- یافته‌های تحلیل گفتمانی روزنامه‌های سرمقاله‌های روزنامه‌های کیهان

گزیده مقوله‌های گفتمانی روزنامه‌های کیهان در زمینه خروج آمریکا از برجام	کارویژه‌های تحلیل متن
<p>قدرت دفاعی کشور، منافع ملی و بین‌المللی، عزتمندانه، اقتدار کشور، توانایی دیپلماتیک، تضمین‌های واقعی، استقلال مالی، همبستگی و اتحاد در جبهه داخلی، وحدت، گفتگوی ملی، آشتی ملی، مردم‌سالاری و حاکمیت قانون، تقویت حاکمیت، تضمین صلح و ثبات، درایت و شجاعت، اقتدار بی‌بدیل جمهوری اسلامی، موضع قدرت، مؤثر.</p>	مثبت
<p>نقض مکرر برجام، توطئه هماهنگ، نفوذی، زیاده‌خواهی، فضول‌های بین‌المللی، منافع جناحی و شخصی، شروط گستاخانه و مداخله‌جویانه، ناپجا و نسنجیده، مخرب، ضد ایرانی، مواضع سرسختانه، امتیاز یکطرفه، بلوف، پیام خطرناک، شوکی بزرگ و غیر قابل مهار، رؤیای براندازی، کلکسیون افتتاحات، مجازات‌های فراسرزمینی، چالش‌های اقتصادی سخت‌تر، رفتار رادیکال، غفلت از اولویت‌ها، حاشیه‌زدگی، گستاخی، ناکارآمدی دولت، مجرم، پازل دشمن، زنجیره‌ای و تحریف‌گر، نسخه تجویزی مسموم، دیپلماسی التماسی.</p>	نظام واژگان منفی
<p>سازمان ملل، ایران، رهبر انقلاب، نظام جمهوری اسلامی، رئیس‌کل بانک مرکزی، مسئولان عالی‌نظام، سوریه و عراق.</p>	مثبت
<p>امریکا، دنیس راس، نیکی هیلی، سفیر آمریکا، فرانسه، انگلیس، آلمان، کمیته امور خارجه مجلس نمایندگان آمریکا، برایان هوک، رئیس‌جمهوری ایران، رئیس‌جمهوری آمریکا، مکرون، اوباما، کاخ سفید، راثول مارک گرونت، فیلیپ گوردن، عربستان، موگرینی، وزیر اقتصاد آلمان، اتحادیه اروپا، مدیران عامل زیمنس و توتال، نخست‌وزیر انگلیس، صدراعظم آلمان، وزیر خارجه فرانسه، سفیر انگلیس، شرکت‌های اروپایی و امریکایی، ظریف.</p>	افراد و نهادهای مطرح شده در متن منفی
<p>عزت و اقتدار ملت ایران، ایستادگی نظام جمهوری اسلامی، نقش ثبات‌زای ایران، توانمندی‌های بازدارنده ایران، حرکت پیشرونده انقلاب اسلامی، درایت و شجاعت مقتدای انقلاب اسلامی، ایران قدرتمند است و این اقتدار منطقه‌ای بدیل ندارد.</p>	منتسب به خود
<p>تلاش نفوذی‌های داخلی برای نگهداشتن ایران در این توافقنامه، جریان نفوذی هنوز تلاش دارند از موضع انفعال با طرف‌های برجامی برخورد کنند، منافع ملی را فدای ترس و انفعال و منافع جناحی و شخصی خود می‌کنند، روحانی مواضع به شدت رادیکال اتخاذ کرد تا آنجاکه از ژست اعتدالی وی تقریباً هیچ نماند، افراطیون مدعی اعتدال و اصلاحات می‌دانستند کارنامه چهارساله دولت پر از خالی است، این طیف مصیبتی بزرگ هستند، موردحمایت قدرت‌های مستکبر هستند، قطعات پازل دشمن را می‌چینند، مسخ‌شدگان و تغییرهویت‌دادگانی که به اغیار و اضداد جمهوری اسلامی پیوسته‌اند، عناصر نشان‌شده اروپا و آمریکا.</p>	منتسب به دیگری (داخلی)
<p>فرانسه، انگلیس و آلمان طرح تحریم‌های موشکی و منطقه‌ای علیه ایران را آماده کردند، هیئت مذاکره‌کننده امریکایی مشغول کار بر روی تحریم‌ها علیه ایران، هماهنگی اروپا با آمریکا به عنوان دو لبه قیچی برای تشدید و اعمال تحریم‌ها و به عنوان چکش و سندان برای نابودی برجام، زیاده‌خواهی‌های رئیس‌جمهوری فرانسه، خصومت عمیق و آشکار و پیگیری براندازی نظام جمهوری اسلامی، کلکسیون</p>	منتسب به دیگری (خارجی)

<p>افتتاحات رؤسای جمهوری پیشین امریکا، فقدان توانایی و ظرفیت اروپایی‌ها، تعهدات عمل نشده آمریکا و اروپا، رفتار فریبکارانه برخی دولتمردان اروپایی.</p>	
<p>واشنگتن‌پست، نیکی هبلی، برجام، رهبر انقلاب، رویترز، برایان هوک، دنیس راس، گفتگوی روحانی و اوباما، نشریه آتلانتیک، استدلال گوردن، مقامات دولت ایران، رسانه‌های زنجیره‌ای، قرارداد عصر قاجاری، موگرینی، وزیر اقتصاد آلمان، وزیر خارجه فرانسه، رئیس‌جمهوری امریکا، مدیران عامل زمینس و توتال، قانون انسداد، سفیر انگلیس، نخست‌وزیر سابق ایتالیا، ظرفیت، اصلاح طلبان، تاج زاده و سحرخیز، ریچارد هاویت، صدر اعظم آلمان.</p>	<p>استناد یا ذکر شواهد در متن</p>
<p>ماندن یا نماندن ایران در برجام موضوع محوری است. با تسلیم شدن نیز فشار و تحریم‌ها از بین نمی‌روند. همراهی بروکسل با آمریکا در تحریم‌های جدیدش علیه ایران، خروج دولت از برجام حرکتی انقلابی است. نگرانی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران و بمب اتمی بهانه آمریکا بوده است. ترامپ می‌خواهد رؤیای براندازی را محقق کند. عدمت وانایی و ظرفیت اروپایی‌ها برای ایستادگی درمقابل تحریم‌های امریکا، دولت در اخذ تضمین از اروپا بسیار منفعلانه عمل کرده است. افای تی‌اف راهی برای تکمیل بسته تحریمی آمریکا علیه ایران است. گرفتاری روحانی به دلیل اعتماد به دشمن خارجی و اصلاح‌طلبان است.</p>	<p>پیشفرض‌ها</p>
<p>برجام هیچگونه دستاوردی برای ایران نداشته است. اصلاح‌طلبان در راستای منافع آمریکا و اروپا گام برمی‌دارند. آمریکا به دنبال تغییر حکومت در ایران است. خروج آمریکا از برجام دور از انتظار است. شرکت‌ها و دولت‌های اروپایی همسو با سیاست های امریکا، همکاری با اروپا تحت شرایط فعلی برای حفظ برجام به نتیجه قابل‌قبولی نخواهد رسید. در برجام عزت و اقتدار ایران به نحو شایسته‌ای حفظ نشده است. تیم مذاکره‌کننده اشرافی بر مفاد برجام نداشته‌اند. اصلاح‌طلبان نسبت به سرنوشت دولت روحانی بی‌تفاوت بودند. غرب در پی برجام ۲ و تضعیف ایران در حوزه دفاعی و منطقه‌ای است.</p>	<p>دلالت‌های ضمنی</p>
<p>غیرقابل اعتماد بودن اروپایی‌ها، دشمنی عمیق آمریکا با ایران، اقدامات ضد ایرانی آمریکا در سال ۸۸ برای براندازی نظام جمهوری اسلامی، شکست طرح‌های رؤسای جمهوری پیشین آمریکا علیه ایران، قراردادهای استعماری اروپا علیه ایران، حمایت غرب از اعتراضات انتخابات سال ۸۸.</p>	<p>تداعی</p>
<p>امریکا و اروپا با همراهی یکدیگر درصدد هستند تا با اعمال فشار و تحریم باب مذاکره درباره توان موشکی و قدرت دفاعی ایران را بکشایند، هدف اصلی آمریکا چه با ماندن در برجام و چه با خروج از آن، براندازی و تغییر حکومت در ایران است. اتحادیه اروپا و شرکت‌هایشان کاملاً در هماهنگی با آمریکا هستند و تنها به حمایت ظاهری از برجام برای به دست آوردن منافع خود می‌پردازند. غرب به واسطه طیف اصلاح‌طلبان درصدد ضربه زدن به ایران هستند.</p>	<p>مؤلفه‌های اجماع و توافق</p>
<p>موضوع مهم و اصلی ماندن یا نماندن ایران در برجام است. جریان نفوذی هنوز تلاش دارند از موضع انفعال با طرف‌های برجامی برخورد کنند و عزت و اقتدار ملت ایران و منافع ملی را فدای ترس و انفعال و منافع جناحی و شخصی خود کنند. دولت در یک حرکت انقلابی باید هرچه سریع‌تر خروج از برجام را در دستور کار خود قرار دهد. اتحادیه اروپا قادر نیست ضمانت‌های حقوقی-سیاسی و اقتصادی به ایران بدهد. ریشه اصلی گرفتاری، اعتماد بلاوجه به دشمن خارجی و طیف افراطیون مدعی اصلاح‌طلبی در داخل است.</p>	<p>گزاره‌های اساسی</p>

جدول ۴- یافته‌های تحلیل گفتمانی روزنامه‌های شرق در زمینه خروج آمریکا از برجام

گزیده مقوله‌های گفتمانی روزنامه شرق در زمینه خروج آمریکا از برجام	کارویژه‌های تحلیل متن
<p>پایبندی به توافق، خاکریزی قابل‌اتکا، رفتاری منطقی، احترام به قواعد بین‌المللی، آبرومندانانه، هنر دیپلماسی، دستاوردهای نظامی، اراده سیاسی، فضای صلح، جایگاه استراتژیک، توانایی‌ها، منافع ملی کشور، کارساز، وفای به عهد، اعتبار بیشتر، حفظ اعتبار، صلاح ملک و ملت، پیشتاز صلح و آرامش، مدیریت حکیمانه، موفقیت، امیدواری و سرخوشی ملی.</p>	<p>مثبت</p> <p>نظام واژگان</p>
<p>بدترین شرایط تحریم‌ها، جنگ‌طلب، شکست برجام، بحران‌سازی، ضد ایرانی، ادبیات تهاجمی، مقابله و مهار رفتارهای انسانی، گفتمان زورگویی، جنگ دیپلماتیک، درگیری نظامی، کاستی‌های گذشته، یکجانبه، خودسرانه، نقض عهد، هنک آبرو، کار نابخردانه، حرکت زشت و ناپسند، طعم تلخ جنگ، جانبداری، تنش‌زایی، محدودیت، عهدشکنی، خشمناک و بیمناک، نابرابری‌های فاحش.</p>	<p>منفی</p>
<p>فرانسه، آلمان، ایران، امانوئل مکرون و آنگلا مرکل، سازمان ملل، روسیه، چین، ظریف، دولت یازدهم، سوریه، اتحادیه اروپا، ژان لودریان، بوریس جانسون، اژانس بین‌المللی انرژی اتمی، موگرینی، دولت اوباما، شورای امنیت، دستگاه دیپلماسی ایران، مجلس، صداوسیما، وزارت دفاع آلمان، بانک مرکزی اروپایی.</p>	<p>مثبت</p> <p>افراد و نهادهای مطرح شده در متن</p>
<p>مایک پمپئو، عربستان، رئیس سابق سیا، مقامات عربستان و اسرائیل، آمریکا، جان بولتون، نمایندگان کنگره و سنای آمریکا، نیکی هیلی، لیبرمن، دولت ترامپ، نتانیاهاو، طالبان و القاعده، داعش، آمریکایی‌ها، شرکت‌های خصوصی اروپایی.</p>	<p>منفی</p>
<p>اذعان ایران بر پایبندی خود به توافق، جایگاه استراتژیک ایران، پیشتاز صلح و آرامش در جهان بوده‌ایم، ایران بود که با کشورهای بزرگ غرب حکومت طالبان را در افغانستان ساقط کرد، کشوری که حداقل در دو سده گذشته به هیچ همسایه بلافصل و غیربلافضلی لشکر نکشیده، کشوری که در این چهار دهه در هیچ پیمان نظامی‌ای نبوده، موقعیت ایران به مراتب مناسب‌تر از دوره قبل از برجام است.</p>	<p>منتسب به خود</p>
<p>شعار خروج از برجام و حرکت برخی نمایندگان که کاغذی را در مجلس یک کشور به آتش کشیده‌اند، یک طیف سیاسی شناخته شده در داخل کشور دولت روحانی و تلاش‌های آقای دکتر ظریف را در مسئله برجام به چالش می‌کشند و کار ترامپ را ضعف دستگاه دیپلماسی ایران می‌دانند، بنای ایجاد اختلاف در داخل را دارند.</p>	<p>منتسب به دیگری (داخلی)</p> <p>قطب بندی</p>
<p>جنگ‌طلبان تیم ترامپ با همراهی رژیم صهیونیستی و عربستان در حال طراحی تهدیداتی علیه کشورمان هستند و خواهان بازگشت به شرایط قبل از برجام و ایجاد اجماعی جهانی علیه ایران هستند، سطح جدیدی از گفتمان صریح و بعضاً خصمانه در قبال ایران، ترامپ گفتمان زورگویی را در سطح جهان راه انداخت، ضربه‌زدن به جمهوری اسلامی در صدر اهداف دولت ترامپ قرار دارد، رئیس‌جمهوری پیشبینی‌ناپذیر آمریکا میثاق مهم جهانی را یکجانبه لغو کرد، حرکات دونالد ترامپ خلاف شأن آمریکا و خلاف اصول سیاست جهانی است، وجود محدودیت‌های پیدا و پنهان اروپایی‌ها در مواجهه و مقابله با آمریکا، ادعای دولت‌های اروپایی، اروپا باز هم برای ما شرایطی را قائل می‌شود که مانند شمشیر داموکلس بالای سر نوازشمان می‌کند، موقعیت آمریکا به لحاظ حقوقی و اخلاقی به مراتب نازل‌تر از گذشته است، آمریکا از پیمان پاریس هم خارج شده است.</p>	<p>منتسب به دیگری (خارجی)</p>

گزیده مقوله‌های گفتمانی روزنامه شرق در زمینه خروج آمریکا از برجام	کارویژه‌های تحلیل متن
<p>امانوئل مکرون. آنگلا مرکل. ترامپ. برجام. ظریف. رهبران کره شمالی و جنوبی. ایران کنتر. رونالد ریگان. جنگ دوم جهانی. ژان لودریان. بوریس جانسون. تیتو روزنامه‌ها. نتانیاهو. آژانس انرژی اتمی. موگرینی. قرآن کریم. دولت اوباما. اقدام نمایندگان. سخنان رئیس جمهوری ایران. شواهدی مبنی بر جنگ افروزی عربستان و اسرائیل و کمک ایران در حل بحران‌های منطقه‌ای. شورای امنیت سازمان ملل متحد. پیمان پاریس.</p>	<p>استناد یا ذکر شواهد در متن</p>
<p>تأکید ترامپ بر تغییرات مدنظر خود در برجام. ایران در ژئوپلیتیک منطقه و جهان جایگاهی استراتژیک دارد. دشمنی اسرائیل و عربستان با ایران. عدم توجه به الفبای روابط بین‌الملل در ایران. هدف اصلی ترامپ ضربه‌زدن به جمهوری اسلامی است. اروپایی‌ها درصدد حفظ برجام هستند. منطقی نبودن شعار خروج از برجام و حرکت برخی نمایندگان مجلس. خروج آمریکا از برجام نتوانسته ارتباطات بین‌المللی ایران را از بین ببرد. اروپا برای مقابله با اعمال تحریم‌های ثانویه علیه ایران توانمند است. هزینه‌دادن ایران برای نگهداشتن سه کشور اروپایی در برجام. ضرورت عمق استراتژیک برای ایران. ایران با تغییر و مذاکره مجدد درباره برجام موافق نیست.</p>	<p>پیشفرض‌ها</p>
<p>پایبندی به برجام عنصری کلیدی است که اهداف دشمنان را با شکست مواجه می‌کند. خروج ایران از معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای نمایانگر اتخاذ سیاستی رادیکال است. دشمنان در حال یکپارچه و هماهنگ شدن برای اقدام علیه ایران هستند. ایران قادر به تغییر شرایط هست. اروپا حضور ایران در منطقه را به حوزه برجام وارد کرده است. اروپا از موقعیت پیش‌آمده برای محدودیت علیه ایران استفاده می‌کند. موضع ایران در قبال غرب باید براساس عزتمندی و منافع ملی ارائه شود.</p>	<p>دلالت‌های ضمنی</p>
<p>دشمنی عربستان و اسرائیل و آمریکا با ایران. یکدستی میان سیاستمداران آمریکا در قبال خروج آمریکا از برجام وجود ندارد. مخالفت اصولگرایان با توافق هسته‌ای میان ایران و ۵+۱. آسیب‌های بسیاری که ایران از دخالت قدرت‌های جهانی مانند آمریکا متحمل شده است. رفتار امریکایی‌ها پس از جنگ جهانی دوم با کشورهای شکست خورده همچون آلمان و ژاپن.</p>	<p>تلقین</p>
<p>ترامپ با بهره‌گیری از سیاستمداران ضد ایرانی و ضد برجام و همراهی عربستان و اسرائیل در پی افزایش فشارها به ایران و تغییرات مدنظر خود در برجام است. دشمنان ایران درصدد تهدید و مقابله با ایران هستند و در این راه سعی بر این دارند تا اروپا را نیز با خود همراه کرده و اجماعی جهانی علیه ایران پدید آورند.</p>	<p>تداعی</p>
<p>اظهارات امانوئل مکرون و آنگلا مرکل، رهبران فرانسه و آلمان، پس از ملاقات با ترامپ، نمایانگر آن است که این دو در مأموریت «نجات برجام» با دست پر به خانه بازنگشته‌اند. برجام خاکریزی قابل اتکا برای مقابله با تهدیداتی است که جنگ‌طلبان تیم ترامپ با همراهی رژیم صهیونیستی و عربستان در حال طراحی علیه کشورمان هستند. ضربه‌زدن به جمهوری اسلامی در صدر اهداف دولت ترامپ قرار دارد.</p>	<p>مؤلفه‌های اجماع و توافق</p>
<p>از تحلیل مقوله‌های گفتمانی استخراج شده از متون روزنامه «اعتماد» می‌توان چنین نتیجه گرفت که به‌طور ضمنی برجام را به عنوان یک دستاورد در عرصه حقوق بین‌الملل و دیپلماسی ایران قلمداد می‌کنند و در عین حال، ترامپ را به عنوان فردی فاقد شناخت از حقوق بین‌الملل و</p>	<p>گزاره‌های اساسی</p>

بدیهیات دیپلماسی به تصویر می‌کشد که بر همین سیاق، درک درستی از توافق هسته‌ای ایران نیز ندارد و در بازی‌های رسانه‌ای متبخر است. عباراتی همچون عدم انزوای ایران، عدم فشار جدی اروپا به تهران و برخورداری ایران از انرژی هسته‌ای بدون دستیابی به بمب اتمی، همچنین طرح احتمال بازگشت مجدد آمریکا به برجام؛ همگی گویای غلبه گفتمان تعامل‌گرایانه و صلح‌طلبانه در متون هستند.

از تحلیل مقوله‌های گفتمانی استخراج شده از متون روزنامه «شرق» می‌توان دریافت که مشی کنونی دولت و تیم مذاکره‌کننده را بهترین شیوه و واکنش برای حفظ اعتبار و تنش‌زدایی ایران می‌داند. در مقابل اقداماتی همچون حرکت عده‌ای از نمایندگان مجلس در آتش زدن نمادین نسخه‌ای از برجام دقیقاً عکس این معنا را برمی‌سازد. استفاده از عباراتی همچون نکوهش اقدام ترامپ از سوی کشورهای مهم و تأثیرگذار و توصیه به حفظ برجام به عنوان راهی برای حفظ اعتبار و تنش‌زدایی ایران، حفظ ارتباط با کشورهای حامی برجام، بنای دیپلماسی بر مذاکره و گفتگو و... نشان‌دهنده غالب بودن گفتمان تعامل‌گرایانه در این متن است. استفاده از واژگان و عبارات مثبت برای کنش بایسته جمهوری اسلامی ایران در فضای پیش‌رو؛ یعنی پختگی، کیاست و دیپلماسی فعال نیز در راستای همین دلالت ضمنی قرار داشته و ناظر بر راه برون‌رفت از شرایط پیچیده احتمالی (پس از خروج آمریکا از برجام) است. با این همه روزنامه شرق نسبت به توانمندی دفاعی و امنیتی ایران حساس‌تر از روزنامه اعتماد عمل کرده و حفظ سه کشور اروپایی در برجام به قیمت تضعیف توانمندی امنیتی و دفاعی ایران را تلویحاً نفی و رد می‌کند.

از تحلیل مقوله‌های گفتمانی استخراج شده از متون روزنامه «رسالت» می‌توان دریافت که صحبت درباره برجام بدون آمریکا به عنوان طرح مورد نظر دولت برای مدیریت شرایط جدید (خروج آمریکا از برجام) نمی‌تواند هیچ دستاوردی به همراه داشته باشد. در این متون، به بی‌تأثیر بودن اقدامات دولت اشاره شده و از واژگانی همچون فشار ایمیلی، پیام توثیتری و... برای توصیف آن استفاده می‌کند و بر آن است که این رویکرد دولت؛ به معنای تمایل آن برای حفظ برجام به هر هزینه‌ای است. نویسندگان، این رویکرد و مشخصاً طرح برجام بدون آمریکا را نوعی فرصت‌سوزی می‌دانند که افزایش هزینه برای کشور را به دنبال داشته و طرح‌های کارآمدی همانند اقتصاد مقاومتی را معطل نگاه داشته است. به علاوه با تمرکز به عملکرد آمریکا در برجام و بازگشت تحریم‌های ضد ایرانی را نشان‌دهنده این واقعیت می‌داند که این کشور به هیچ عهد و پیمانی متعهد نیست. وجود گزاره‌هایی همچون «مدیریت جهادی»، «بصیرت انقلابی» از یکسو و

همچنین اشاره به سخنان وزیر امور خارجه در مورد «فقدان امید به اروپا در حفظ برجام» و... در مجموع گفتمان این سرمقاله را حول محور ایستادگی و مقاومت و نگاه به ظرفیت‌های درون کشور برمی‌سازد.

از تحلیل مقوله‌های گفتمانی استخراج شده از متون روزنامه «کیهان» می‌توان چنین نتیجه گرفت که نویسندگان با ارائه تجارب تاریخی متعدد (که برجام نیز یکی از آنهاست) درصدد بیان این گزاره هستند که حتی در صورت تسلیم نیز فشار و تحریم آمریکا و اروپا کاهش نیافته و مرتفع نمی‌شود؛ چنان‌که اروپا را به عنوان واضع تحریم‌هایی علیه ایران در زمینه حمایت از تروریسم و آزمایش موشک می‌دانند که با این پیشینه، نمی‌تواند در مقابل تحریم‌های آمریکا به ایران تضمین دهد. تمرکز اصلی نویسندگان در متن به تلاش‌های آمریکا در جهت براندازی است و در همین راستا؛ برجسته‌سازی مفاهیم و واژگان معطوف به «براندازی»، «خصوصت»، «تحریم»، «فشار» و... به عنوان شاخص‌های رفتاری آمریکا در قبال ایران و تقلیل اختلافات درون آمریکا در مورد برجام به تفاوت صرف در تاکتیک‌های براندازی؛ و در مقابل به حاشیه راندن مؤلفه‌هایی همچون اختلاف بین ارکان سیاستگذاری آمریکا پیرامون برجام، اختلاف موجود میان اروپا و آمریکا و نادیده گرفتن رویکردهای مبتنی بر تعامل یا مهار ایران در سیاست خارجی آمریکا به قطب‌بندی متن منتهی می‌شود. علاوه بر این، نویسندگان در لابه‌لای متون به رویکرد طیف اصلاح‌طلب نسبت به مواضع اروپا در قبال جریان برجام واکنش نشان می‌دهند، چه اینکه حتی در شرایطی که مقامات اروپایی به صراحت از عدم تعهد اروپا به حفظ برجام در برابر آمریکا سخن می‌گویند. این طیف، ضرورت ادامه یکطرفه برجام از رهگذر همکاری با اروپا را مطرح می‌سازند. به واسطه اقدامات اینچنینی است که به نظر نویسندگان حتی طرح تشدید فشار بر ایران از سوی ایالات متحده نیز به واسطه امکان اتکای واشنگتن بر عملیات تحلیل و تضعیف قدرت جمهوری اسلامی ایران توسط طیف نفوذی در محافل آمریکایی به‌طور جدی‌تر مطرح شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام نتیجه یکی از تأثیرگذارترین و جدی‌ترین فرایندهای مذاکراتی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران بود که توانست راه‌حلی برای مناقشه دوازده‌ساله هسته‌ای بین ایران و گروه کشورهای ۱+۵ ارائه دهد. براساس برجام، ایران در بازه زمانی ۱۵ ساله محدودیت‌هایی بر صنایع هسته‌ای خود اعمال کرد و ایالات‌متحده و اتحادیه اروپا نیز در مقابل

متعهد به رفع تحریم‌های مصوب شورای امنیت ملل متحد، شورای اروپا و کنگره آمریکا (مشخصاً در حوزه تحریم‌های هسته‌ای) شدند. به‌رغم انعقاد توافق میان ایران و کشورهای ۵+۱، پایبند نبودن ایالات‌متحده به تعهدات خود پس از اجرای برجام و مشخصاً تغییر دولت در این کشور و عدم تمایل هیئت حاکمه جدید به حفظ مشارکت در برجام، موجب خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌های یک‌جانبه این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران شد.

این امر با واکنش منفی سایر طرفین متعهد در برجام روبه‌رو شد، اما به دلایلی که به‌طور مبسوط در صفحات پیشین بدان‌ها پرداخته شد، تاکنون توانسته است بخش بزرگی از کارکرد توافق هسته‌ای را دچار اختلال سازد. از آنجا که دستاوردهای ملموس ایران در حوزه برجام عمدتاً اقتصادی‌اند، بازگشت تحریم‌های ایالات‌متحده در قالب تحریم‌های فراسرزمینی (ثانویه)، این دستاوردها را با موانع جدی روبه‌رو ساخته است. تردید شرکت‌ها و بنگاه‌های مالی و بازرگانی بزرگ برای حضور در بازار و صنایع ایران و همچنین تحریم‌های جدید آمریکا بر صادرات نفت از جمله مواردی است که در سامان اقتصادی ایران اختلال ایجاد کرده و در مورد کل فرایند برجام و پایبندی به آن بحث و مناقشه ایجاد کرده است. بحث و مناقشه‌ای که بیش از هر جای دیگری در بین جناح‌های سیاسی و مطبوعات ایجاد شده و در درون گفتمان این جریان‌ها به ظهور رسیده و موجب بروز دیدگاه‌های متعدد و گاه متضادی در مورد برجام، تحلیل سود و زیان آن، و نهایتاً کنش بایسته در قبال آن در شرایط جدید شده است.

برجام، چنانکه گفته شد، از جمله پرونده‌های پیچیده سیاست خارجی ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آید. ویژگی منحصربه‌فرد موضوع این توافق و نقش آن در هویت دولت یازدهم موجب شد تا از آغاز مذاکرات تا حصول توافق در تیرماه ۱۳۹۴ برجام محور بحث و جدال دو جناح سیاسی کشور، یعنی اصولگرایان و اصلاح‌طلبان، باشد. بی‌تردید روزنامه‌ها و رسانه‌های منتسب به دو جریان نیز از این قاعده مستثنی نبودند و طی مدت مذاکرات و پس از آن همواره به موضوع برجام پرداخته‌اند. این امر به‌ویژه در زمینه نقاط عطف مرتبط با توافق هسته‌ای بارزتر بوده و روزنامه‌های منسوب به دو جناح یادشده در این نقاط، زمانی برپایه گفتمان سیاسی خود به موضوع برجام پرداخته‌اند. از جمله این نقاط عطف، خروج ایالات‌متحده از توافق برجام است که از اعلام تصمیم تا روزهای پس از اجرایی شدن آن به دستور رئیس‌جمهور آمریکا را در برمی‌گیرد و از موضوعات اصلی مورد توجه در بخش‌های مختلف این روزنامه‌ها بوده است.

طبیعتاً بازنمایی خروج آمریکا از برجام به منزله یکی از دال‌های اساسی تحلیل وضعیت مورد توجه رسانه‌های دو جریان قرار گرفته است و مصداقی برای تأیید فرضیات گفتمان متبوع آنها به شمار می‌رود. با بررسی سرمقاله‌های دو روزنامه مشهور اصولگرا، یعنی کیهان و رسالت، در سطح «توصیف» متن، از واژگان و مترادف‌هایی با بار معنایی منفی نظیر دشمن، قطع روابط، خصومت، ضرر و زیان، غارت منابع، سلطه، خسارت، جنگ، تحریم، غارت منابع و... بیشتر بهره برده‌اند، اما در چینش واژگانی مثبت، عموماً به دستاوردهای هسته‌ای، پیشرفت، بصیرت، امنیت نظام و... پرداخته شده است. سلسله استنادات به موضوعات و موارد متنوع تاریخی، ایدئولوژیک و گفتمانی در نهایت به برساختن خود به مثابه «خود مشروع» انجامیده است. برای نمونه، کلمات و عبارات جمهوری اسلامی ایران، ملت ایران، انقلاب اسلامی، رویکرد انقلابی ایران، و ملت مظلوم به‌طور مکرر مورد استفاده این طیف قرار گرفته است؛ تا آنجا که در این روزنامه‌ها ارجاع مشخص به برنامه هسته‌ای ایران و فرایند برجام محدود است.

در سطح «تفسیر» در متون روزنامه‌های اصولگرا چنین به نظر می‌رسد که اقدام ایالات متحده را مهر تأیید دعاوی خود در مورد بی‌ثمر بودن برجام و نکوهش تلاش دیپلماتیک دولت یازدهم در این مسیر می‌دانند. دایره «دیگری» در روزنامه‌های مورد بررسی تنها به آمریکا و غرب محدود نمی‌شود و رقابت‌های سیاسی در محیط داخلی نیز در قالب این دوگانه‌سازی تجلی می‌یابد. آنچه از برجستگی برخوردار است رد و نفی «دیگری داخلی»؛ یعنی بخش‌هایی از دولت و جناح سیاسی مقابل و همچنین «دیگری خارجی»؛ یعنی ایالات متحده، اسرائیل، عربستان سعودی و گاه کشورهای اروپایی است. اشاره به سابقه تاریخی و همچنین استفاده از مراجع ایدئولوژیک برای توصیف کنش‌ها و رویکردهای دیگری (داخلی و خارجی) و قضاوت راجع به آنها عمده رهیافتی است که این روزنامه‌ها به دنبال آن‌اند. مثلاً تلاش آمریکا و اسرائیل برای براندازی جمهوری اسلامی با هدف مشروعیت‌زدایی از کنش دگر خارجی صورت می‌پذیرد. در عین حال، از واژگان مثبت و عموماً دارای بار حقوقی، همچون حق طبیعی، استقلال ملی، حق حاکمیت و همچنین واژگان مثبت سیاسی، همچون استکبارستیزی، نفی ظلم، نگاه به‌درون و امثال آنها برای مشروعیت‌بخشی به کنش و موضع خود استفاده شده است.

در سطح «تبیین» در متون روزنامه‌های اصولگرا، خروج آمریکا از توافق هسته‌ای را نقطه عزیمتی برای استفاده در رقابت‌های سیاسی و گفتمانی در نظر می‌گیرند و آن را به دال‌های دیگر تعریف دگرگفتمانی خود پیوند می‌دهند. در واقع، برجام و مسئله خروج آمریکا از آن در فضای

رسانه‌ای و به‌ویژه رسانه‌های اصلی دو جریان سیاسی کلان در کشور عمدتاً مبتنی بر روابط و رقابت قدرت به‌تصویر کشیده شده و نوع پرداختن به مسئله تابعی از رقابت‌های کلان‌تر سیاسی بین دو جناح است. در واقع، نفی برجام به منزله یکی از دستاوردهای گفتمان رقیب در روزنامه‌های اصولگرا، و تأیید آن به‌مثابه یکی از موفقیت‌های گفتمان اصلاح‌طلبی در سیاست خارجی در روزنامه‌های اصلاح‌طلب براساس همین روابط قدرت معنا می‌یابد تا جایی که اصلاح‌طلبان را افرادی فاقد کفایت و صلاحیت می‌دانند که در دولت نفوذ کرده‌اند و به خصوص در روزنامه کیهان، ایدئولوژی نویسندگان نمود بارزتری دارد؛ چه اینکه از اظهارات تئوریسین‌های اصلاح‌طلب؛ نظیر «عبدی» و «زیباکلام» استفاده می‌کند و اوضاع نابسامان را در عرصه سیاست خارجی، نفوذ همین طیف در دولت و اعتماد به غرب می‌داند.

نکته مشترک و مهم بحث پیرامون خروج آمریکا در روزنامه‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا پیرامون منافع ملی کشور است که هر دو گروه سعی در برجسته کردن آن دارند که مطابق با سیاست‌های خاص رسانه‌ای خود است، اما به دنبال ارائه همه جانبه از این موضوع نیستند، بلکه با ارائه اطلاعات و برجسته‌سازی راجع به ابعادی که در راستای منافع آنهاست، درصدد جلب نظر مخاطبین و دستیابی به قدرت به‌واسطه آنهاست؛ مثلاً جناح اصولگرا منافع ملی کشور را در عدم ارتباط با آمریکا و تا حدی اروپا و همچنین خروج ایران از برجام می‌داند و استفاده از ظرفیت‌های داخلی و ایستادگی در مقابل تحریم‌ها را راهی در جهت منافع ملی کشور عنوان می‌کنند.

بنابراین، روزنامه‌های مذکور با برجسته‌کردن و تأکید بر نقاط ضعف جناح دیگر، با قطب‌بندی و به‌کاربردن واژگان منفی و سلسله استندهای تاریخی، درصدد بازنمایی و القای مفاهیم مدنظر خود برای اثرگذاری بر مخاطب‌اند. گفتمان اصلی و غالب در متون روزنامه‌های اصولگرا در مورد برجام «گفتمان مقاومت» است. این طیف با تأکید بر مفهوم مقاومت و استفاده از دال‌هایی همچون ظرفیت‌های داخلی، اقتصاد مقاومتی، بصیرت انقلابی، واکنش جدی و محکم درمقابل دشمن و... درصدد بازنمایی از وضعیت مطلوب و به‌تبع آن ترسیم وضعیت کنونی به‌مثابه وضعیتی نامطلوب است و در این مسیر، برای برجسته‌سازی و مشروعیت‌بخشی به دال‌ها و گفتمان خود به مجموعه‌ای از مواضع اقناعی اساسی تکیه دارد. برای مثال، مواضع اقناعی قدرت و استکبارستیزی یا مواضع اقناعی مقاومت و پایداری در این جهت اعمال می‌شوند. چارچوب‌های اصلی به‌کاررفته در روزنامه‌های طیف اصولگرا برای خلق روایتی معنادار از این رویداد (خروج آمریکا از برجام) عبارت‌اند از: سودمندی قطع رابطه با آمریکا، آسیب‌پذیری ایران با باقی ماندن در

برجام بدون آمریکا، تصویب لوایح افای‌تی‌اف در راستای اهداف آمریکا، خروج از برجام راه حصول منافع و عزت و اقتدار ملی، دشمنی آمریکا با ایران، ناکامی دولت روحانی در فرایند برجام و لزوم درپیش گرفتن مشی انقلابی، اتکا به اتحادیه اروپا و تصویب افای‌تی‌اف سبب آسیب و خسارات برای کشور می‌شود.

با بررسی سرمقاله‌های دو روزنامه مشهور اصلاح‌طلب، یعنی شرق و اعتماد، در سطح «توصیف» متن، چینش هوشمندانه و هدفمند واژگان به کار برده شده راجع به توافق هسته‌ای همگی دارای بار ارزشی مثبت بوده و در مجموع، متضمن تلقین مثبت بودن و بایسته بودن حفظ برجام از سوی ایران هستند و در این راستا استفاده متعدد از واژگانی نظیر تدبیر، تلاش‌های دیپلماتیک، تقویت صلح جهانی، حکمت، مشورت و مذاکره برای دولت و دستگاه دیپلماسی در همین زمینه کاربرد یافته‌اند. در متون، ویژگی‌های مثبت برجام برجسته شده و در متون متعدد از آن با عناوین مثبتی نظیر «معاهده بین‌المللی، توافق بین‌المللی و...» بهره گرفته شده است.

در سطح «تفسیر» متن، «برجسته‌سازی» و «حاشیه‌رانی» تکنیک‌هایی هستند که روزنامه‌های شرق و اعتماد با استفاده از آنها، وجوه مثبت «خود» و نقاط ضعف «دیگری» را برجسته کرده‌اند و نقاط قوت «غیر» (دشمن) را به حاشیه برده‌اند و از این رهگذر، درصد بازنمایی و القای چارچوب‌های مدنظر خود هستند. دایره «دیگری» در روزنامه‌های مورد بررسی تنها به آمریکا و تیم ترامپ محدود نمی‌شود و رقابت‌های سیاسی در محیط داخلی نیز در قالب این دوگانه‌سازی بروز می‌یابد. آنچه از برجستگی برخوردار است؛ رد و نفی «دیگری داخلی» یعنی جریان اصولگرا که با عناوین دیگری نظیر «دلوایسان»، «جریان تندرو»، در متن نامیده می‌شوند و در جریان برجام، از ابتدای شکل‌گیری تا انعقاد آن مخالف بوده و بنای ایجاد اختلاف در داخل کشور را داشته‌اند. همچنین «دیگری خارجی» یعنی ایالات متحده، اسرائیل، عربستان سعودی و مشاوران ترامپ و به‌طور کلی دستگاه دیپلماسی آمریکا در دوره ترامپ است.

در سطح «تبیین» متون روزنامه‌های اصلاح‌طلب می‌توان گفت که این طیف، با زبان تفهیمی نکته‌کلیدی در تعامل با جهان را «حفظ منافع ملی» عنوان می‌کنند. تعامل با جهان و گفتگو وجه غالب را دارد و همین بستر سیاسی و اجتماعی را می‌توان عاملی مهم در نظر گرفت که سبب شده حتی بعد از خروج آمریکا از برجام، راه برون‌رفت را در ادامه همکاری و مذاکره با اروپا ببینند. گفتمان مسلط در طیف روزنامه‌های اصلاح‌طلب «گفتمان تعامل» بوده است. این روزنامه‌ها بر لزوم ارتباط با جهان، مذاکره، تنش‌زدایی درعین حفظ انسجام ملی تأکید کرده‌اند و اگرچه در پاره‌ای از

سرمقاله‌ها به رفتار سال‌های دور اروپا در همراهی با آمریکا اشاره کرده‌اند، معتقدند که در صورت «تضمین‌های واقعی» می‌توان به حفظ برجام با اروپا امیدوار بود. بخش قابل ملاحظه‌ای از محتوای تولیدشده در روزنامه‌های اصلاح‌طلب مشخصاً به موضوع برجام اشاره می‌کنند. در واقع، برخلاف روزنامه‌های اصولگرا که برجام را در بستری کلان و در قالب کلان‌روایت استکبارستیزی و انقلابی‌گری می‌نگرند، این روزنامه‌ها عمدتاً به موضوع برجام، حفظ و دستاوردهای آن اشاره می‌کنند. استناد به لزوم حفظ برجام، دستاوردهای آن برای کشور، تعامل با جهان، انزوای آمریکا، برتری اخلاقی و حقوقی ایران در موضوع مورد بحث و... از این‌رو معنا می‌یابند. استفاده از تعبیر و واژگانی همچون مدیریت حکیمانه، عبور از بحران، تنش‌زدایی، وجهه بین‌المللی و در نهایت، حفظ برجام نیز به منظور توصیف و درعین‌حال مشروع‌سازی خود (دولت، جناح اصلاح‌طلب) کاربرد یافته‌اند. چارچوب‌های اصلی به‌کاررفته در روزنامه‌های اصلاح‌طلب عبارت‌اند از: ضدیت ترامپ با نظام جمهوری اسلامی و نه صرفاً توافق هسته‌ای، توان ایران برای گذر از آنچه بحران می‌خوانند، موفقیت روحانی در مواجهه با خروج آمریکا از برجام، حفظ برجام برای مقابله با دشمن، دشواری و حساسیت شرایط در فضای پس از خروج آمریکا، توانایی ایران برای مقابله با شرایط جدید، قابل مذاکره نبودن توان دفاعی ایران.

بنابراین می‌توان چنین انگاشت که میان روزنامه‌های دو جناح اصولگرا و اصلاح‌طلب در بازنمایی خروج آمریکا از برجام نوعی نگاه بخشی‌نگر با توجه به گفتمان مسلطی که راجع به این موضوع پدید آمده است، برای اقناع افکار عمومی در دفاع از عملکرد خود حاکم است. با توجه به تحلیل متون می‌توان گفت در گفتمان هیچ‌یک از دو جناح در دوران پیش و پس از خروج آمریکا از برجام تفاوت عمده‌ای دیده نمی‌شود. البته روزنامه کیهان در تحلیل‌های خود پیش از خروج آمریکا عموماً از ماندن ترامپ در توافق هسته‌ای صحبت می‌کند؛ با این‌همه، هر دو روزنامه اصولگرا از خسارت‌آمیز بودن توافق هسته‌ای و لزوم خروج ایران از برجام بعد از خروج آمریکا صحبت می‌کنند و حتی روزنامه کیهان پیش از خروج آمریکا مسئله اساسی را خروج ایران عنوان می‌کند، اما در طیف روزنامه‌های جناح اصلاح‌طلب، از آنجاکه روزنامه اعتماد سرمقاله‌ای قبل از خروج آمریکا ندارد، تنها سرمقاله‌های بعد از خروج آمریکا مورد تحلیل قرار گرفته است و نویسندگان این روزنامه در این بازه زمانی از حفظ توافق، حفظ وحدت و پرهیز از دو دستگی سخن می‌گویند، اما روزنامه شرق چه پیش و چه پس از خروج آمریکا، ماندن در برجام را عاملی به شمار می‌آورد که می‌توان از آن برای مقابله با دشمنان استفاده کرد.

منازعات ایدئولوژیک دو جریان رقیب پیرامون خروج آمریکا از برجام در مطبوعات بیش از آنکه با ارائه تصویری متوازن و همه‌جانبه همراه باشد، از سیاست‌زدگی و جناح‌گرایی رنج می‌برد تا آنجا که تناقضاتی دیده می‌شود؛ مثلاً روزنامه‌های اصلاح‌طلب اگرچه به اختلاف‌های بین آمریکا و اروپا درباره برجام اشاره و بر حفظ برجام توسط اروپا تأکید کرده‌اند، اما در برخی سرمقاله‌ها مشاهده می‌کنیم که این اختلافات (بین آمریکا و اروپا) ناچیز شمرده می‌شوند و در نهایت، دلالت‌های متن به اتحاد اروپا و آمریکا اشاره می‌کنند یا در جریان اصولگرا، در متن اشاره می‌شود که آمریکا با نقض چندباره برجام، عملاً از این توافق خارج شده است و در عین حال، از پیشنهاد به خروج ایران از برجام به منظور کاهش خسارات و در پیش گرفتن مشی پیش‌دستانه در این زمینه بهره می‌گیرد.

ایده‌هایی که در جریان پژوهش به ذهن نویسندگان خطور کرده است در قالب پیشنهادهایی ارائه می‌گردد:

- با توجه به بررسی سرمقاله‌های روزنامه‌ها نکته‌ای که جلب توجه می‌کرد، استفاده برخی از سرمقاله‌نویسان از زمینه تاریخی روابط میان ایران و غرب بود؛ در همین راستا پیشنهاد می‌شود که دوره‌هایی برای آموزش خبرنگاران سیاسی با هدف کسب اطلاعات بیشتر درباره روابط ایران و غرب و تاریخچه آن در نظر گرفته شود.
- با توجه به فراگیر شدن شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی میان جامعه پیشنهاد می‌شود به مطالعه مطالب تفسیری و اخبار مرتبط با خروج آمریکا از برجام در این رسانه‌ها پرداخته شود.
- این پژوهش تنها به مطالعه روزنامه‌های داخلی پرداخت؛ سایر پژوهشگران می‌توانند سایت‌های داخلی و خارجی فارسی زبان را بررسی نمایند.
- در این پژوهش تنها از روش تحلیل گفتمان برای رسیدن به نتایج مطلوب استفاده شد در همین راستا پیشنهاد می‌شود در کارهای آتی از روش‌های ترکیبی نظیر تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان به منظور دستیابی به نتایج کامل‌تر و دقیق‌تر استفاده شود.

- آفاگل زاده، فردوس و خیرآبادی، رضا (۱۳۹۳) زبانشناسی خبر: به سوی ارائه الگوی تولید خبر در چارچوب رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: نشر علمی.
- آفاگل زاده، فردوس (۱۳۹۰) تحلیل گفتمان انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبانشناسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب الله (۱۳۹۴) «کالبد شکافی مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان.
- بی، ارل (۱۳۸۱) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، ترجمه رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- خلیلی، رضا (۱۳۹۵) «پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام: رویکردی استراتژیک»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره ۷۲، تابستان.
- سلطانی نژاد، احمد، گودرزی، سهیل و نجفی، مصطفی (۱۳۹۴) «توافق وین؛ تغییر یا تداوم در دیپلماسی هسته‌ای»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال هشتم، شماره ۳۱، پاییز.
- عموزاده مهدیرجی، محمد (۱۳۸۲) «زبان، شناخت و واقعیت»، پژوهشنامه علوم انسانی، سال چهارم، شماره ۳۷ (۱).
- فانداک، تون (۱۳۸۷) مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی، گروه مترجمان: پیروز ایزدی و دیگران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.
- فرقانی، محمدمهدی و مؤذن، کاظم (۱۳۹۴) «دولت یازدهم و دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا: بررسی ابعاد و چارچوب‌های محتوایی سایت فارسی صدای آمریکا»، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال اول، شماره ۲.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۸۷) تحلیل انتقادی گفتمان، گروه مترجمان: فاطمه شایسته پیران، شعبانعلی بهرامپور، رضا ذوقدار مقدم و دیگران. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.
- کاظمی، عباس و ناظر فصیحی، آزاده (۱۳۸۶) «بازنمایی زنان در یک آگهی تجاری تلویزیونی»، پژوهش زنان، دوره پنجم، شماره ۱.
- کریمی فیروزجائی، علی (۱۳۹۶) گفتمان‌شناسی انتقادی، تهران: روش‌شناسان و جامعه‌شناسان. چاپ اول.
- لاکلا، ارنستو و دیگران (۱۳۹۵) تحلیل گفتمان سیاسی: امر سیاسی به مثابه یک برساخت گفتمانی، ترجمه امیر رضائی پناه و سمیه شوکتی مقرب. تهران: نشر تیسرا.

مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۷) رسانه‌ها و بازنمایی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مهدی‌زاده، سیدمحمد و علیزاده، عبدالرحمان (۱۳۹۳) «بازنمایی برکناری مرسی در اخبار تلویزیونی صدا و سیما، ج ۱۱ و بی‌بی‌سی فارسی»، فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال پانزدهم، شماره ۲۵. وزارت امور خارجه (۱۳۹۴) برنامه جامع اقدام مشترک، تهران: اداره چاپ و نشر وزارت امور خارجه.

Cherkaoui, Mohammed (2018) Trump's Withdrawal from the Iran Nuclear Deal: Security or Economics? Aljazeera, May.

Devereux, E.^(ed.) (2007) *Media Studies: Key Issues and Debates*. London, UK: Sage Publications.

Entman, R. (1993) *Framing: Toward Clarification of a Fractured Paradigm*. Journal of Communication, 43, 51-58

Fairclough, N. (1989) *Language and Power*. London: Longman.

Fairclough, N. (2003) *Analysing Discourse: Textual Analysis for Social Research*. London: Routledge.

Immenkamp, Beatrix (2018) Future of the Iran nuclear deal How much can US pressure isolate Iran? European Parliamentary Research Service, May.

Katzman, Kenneth, et al (2018) Iran Nuclear Agreement and U.S. Exit, Congressional Research Service, July.

Scheufele, D.A. and Tewksbury D. (2007) "Framing Agenda Setting, and Priming: the Evolution of Three Media Effects Models". Journal of Communication. Vol. 57, No. 1.

van Dijk, T. (2001) "Multidisciplinary CDA: a Plea for Diversity". in: *Methods of Critical Discourse Analysis*. by Ruth Wodak & Michael Mayer. London: Sage Publications.